

به نام خدا

جزوه حقوق اساسی سه

از زمان ابتدای تشکیل تاریخ بشریت، انسان ها در کنار هم زیست می کردند. این زیست جمعی به دلیل نیازهای اجتماعی متعدد، مقابله با خطرات محیطی، نیاز به تشکیل خانواده و .... سایر نیازها بوجود آمد. و این زیست در کنار هم موجب می شد که اختلاف ها و چالش های متعددی بین افراد پیش بیاید

به مرور زمان در هر جامعه ای، افراد جامعه به دو دسته تقسیم شدند بخشی که فرمانروا بودند و بخش دیگری که فرمانبران بودند. در واقع گروهی حاکمان کشور حساب می شدند و گروهی شهروندان عادی محسوب می شدند بنابراین در هر جامعه ای که تشکیل می شد همه با هم برابر نبودند بلکه به هر حال اختلافی وجود داشت حقوق اساسی یکی از شاخه های حقوق است که به روابط سیاسی بین فرمانروایان و فرمانبران می پردازد

این اختلاف طبقه موجب شد که قدرت بوجود بیاید. در واقع وقتی جامعه به دو طبقه فرمانروا و فرمانبر تقسیم می شود عملاً اشخاص فرمانروا نسبت به فرمانبر صاحب قدرت می شوند

قدرت هنگامی معنای خود را در جامعه دارد که بتواند دیگران را وادار کند که رفتار مشخص و معینی را انجام دهند. بنابراین قدرتی که نتواند موجب وادار کردن افراد به انجام کاری شود عملاً قدرت نیست. یکی از انواع قدرت، قدرت سیاسی است، قدرت سیاسی به معنای قدرتی است که از طرف حاکمان کشور به افراد جامعه تحمیل شود. به جامعه ای که تحت فرمان قدرت سیاسی است جامعه سیاسی گفته می شود.

در جامعه سیاسی یکی از موضوعات مهمی که مطرح می شود حقوق اعضای جامعه است. مجموعه حقوق اعضای جامعه تحت عنوان حقوق بشر معروف است. حقوق بشر مجموع حقوق و آزادی هایی است که بشر در حیات فردی و اجتماعی خود از آن برخوردار است و در جهت حفظ کرامت و ارزش انسان تدوین شده است

در واقع هر فردی به سبب انسان بودن از حقوق بشر برخوردار است. این حقوق صرفاً به دلیل انسان بودن به افراد تعلق می گیرد پس شامل همه می شود برخی حقوق بشر را در معنای حقوق شهروندی به کار می برند در صورتی که اشتباه است و چند تفاوت مهم دارند:

۱- حقوق بشر فراملی و حقوق شهروندی ملی است.

حقوق شهروندی به این دلیل به فرد اعطا می شود که عضویت در یک واحد سیاسی به نام دولت دارد. در واقع چون من شهروند ایرانی هستم و تابعیت ایرانی دارم صاحب حقوق شهروندی می شوم

حقوق شهروندی حقوق و تکالیفی است که به دلیل تابعیت فرد به او داده می شود در حالی که حقوق بشر، حقوقی است که متعلق به هر انسانی است فارغ از این که تابعیت کدام کشور را داشته باشد. در واقع حقوقی جهانی است و همه افراد در هر نقطه از جهان از آن برخوردار هستند

دو سند مهم در خصوص حقوق بشر وجود دارد:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸

- میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶

۲- حقوق بشر صرفا حق است ولی حقوق شهروندی حق و تکلیف است.

در حقوق بشر افراد صرفا صاحب حق می شوند و برای این که صاحب حق شوند نیازی نیست تکلیفی انجام دهند. مثلا حق حیات دارند، حق آزادی دارند، حق انتخاب شغل دارند و .....

برای این که افراد این حق ها را داشته باشند نیازی نیست که تکلیفی را انجام دهند که صاحب حق شوند ولی در حقوق شهروندی یک معامله بین دولت و شهروند است در واقع حقوقی را می دهیم در ازای آن تکالیفی بر عهده شهروند و تابع است.

اندیشه حقوق بشر منجر به این شد که اعلامیه هایی در برخی کشور های تنظیم شود و حقوق بشر را به رسمیت بشناسد:

مهم ترین اعلامیه هایی که در زمینه حقوق بشر تنظیم شد به شرح زیر است :

۱- در کشور انگلستان

در سال ۱۲۱۵ منشور کبیر توسط پادشاه وقت انگلستان صادر شد

در سال ۱۶۲۸ مصوبه حقوق و اصل مشروط بودن توقیف افراد تصویب شد

در سال ۱۶۸۹ اعلامیه رسمی در زمینه حقوق بشر تنظیم شد

اعلامیه هایی که در زمینه حقوق بشر در کشور انگلستان تنظیم شد دارای اهمیت فراوانی در به رسمیت شناختن حقوق بشر بود ولی هیچکدام از آن ها به حقوق پایه ای اشاره نمی کرد و اعلامیه های کامل نبودند

۲- آمریکا

در سال ۱۷۷۶ نخستین اعلامیه حقوق در کشور آمریکا تصویب شد . که نسبت به اعلامیه های انگلستان جامعیت داشت.

۳- فرانسه

نخستین سندی که از حیث نگارش حقوق بشر جامعیت داشت اعلامیه حقوق بشر فرانسه مصوب ۱۷۸۹ بود بعد از آن این اعلامیه با اندک تغییری ، قانون اساسی کشور فرانسه شد.

۴- اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به تصویب سازمان ملل رسید و همه کشور ها موظف هستند که به این اعلامیه تبعیت داشته باشند .

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ نیز از جمله عهدنامه های مهم سازمان ملل است که به حقوق بشر اشاره کرده است و کشور ایران نیز آن را امضا کرده است.

### مهم ترین حقوق و آزادی ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر

با بررسی اعلامیه هایی که تا به امروز تصویب شده است به خصوص اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ ، حقوق و آزادی هایی برای انسان ها به رسمیت شناخته شده است که به شرح زیر است:

الف- آزادی عملکرد فردی

۱- حق حیات و آزادی تن

همه افراد بشر حق حیات دارند و هیچکس نمی تواند این حق را سلب کند مگر به موجب قانون در زمینه استثنائی

ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است»

ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هیچ احدی نباید در بندگی و بردگی باشد. بردگی و داد وستد بردگان از هر نوع و به شکلی باید بازداشته شود.»

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«ماده ۵- هیچ کس را نمی توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار داد»

۲- امنیت

اصل امنیت فردی دومین حقی است که برای بشر قائل شده اند این اصل اولین بار در اعلامیه ۱۷۸۹ فرانسه به کار رفت طبق این اصل، اشخاص این حق را دارند که امنیت داشته باشند و هیچ کس نباید بازداشت شود مگر به موجب قانون و در موارد تایید شده قانون. اصل ۳۲ قانون اساسی ایران نیز به این موضوع اشاره کرده است

اصل ۳۲ قانون اساسی:

«هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند.»

ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نمی توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات یا رفتاری ظالمانه با خلاف انسانی قرار داد مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش های پزشکی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است»

۳- آزادی و مصونیت مسکن

هر کس حق دارد که محل مسکونی خود را انتخاب کند و نمی توان هیچ گونه تحمیلی به او وارد کرد.

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«زندگانی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت یا مراسلات کسی نباید در معرض دخالت خود سرانه واقع شود و نیز به حیثیت و حسن شهرت هیچکس نمی توان حمله کرد. هر کس حق دارد در این گونه دخالت ها یا این گونه تجاوزها از پشتیبانی قانون برخوردار باشد.»

#### ۴- تعرض ناپذیری مکاتبات

نامه ها و مکاتبات بین اشخاص نیز طبق ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر از تعرض مصون است و هیچ مقامی حق ندارد آن ها را باز کند و بخواند مگر به حکم دادگاه و در موارد قانونی این اصل راجع به سایر وسایل ارتباطی نظیر تلفن و تلگرام و ..... وجود دارد اصل ۲۵ قانون اساسی و ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به این موضوع اشاره کرده است و صرفا در برخی موارد قانونی که در ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مشخص شده است امکان شنود و بازرسی مراسلات وجود دارد.

#### اصل ۲۵ قانون اساسی:

«بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.»

ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ :

«هر یک از مستخدمان و ماموران دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده، حسب مورد مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی، ضبط یا استراق سمع کند یا بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب را افشا کند، به حبس از یک سال تا ۳ سال یا جزای نقدی از ۶ تا ۱۸ میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

با این حال در قانون آیین دادرسی کیفری امکان کنترل تلفن در جرایم مهم و امنیتی پیش بینی شده است:

«کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود.»

۵- آزادی رفت و آمد

حق عبور و مرور در داخل کشور و خروج از کشور برای همه آزاد است مگر به موجب قانون.

ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

۱. هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

۲. هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد.»

ب- آزادی اندیشه

دومین گروه از آزادی‌هایی که بشر دارند آزادی اندیشه است این آزادی به قلمرو ذهن فرد مرتبط است در واقع افراد آزاد هستند که هر گونه بخواهند اندیشه داشته باشند در قانون مجازات اسلامی هم اندیشه و قصد جرم نیست و باید به مرحله عمل برسد فقط در جرم تبانی است که با احراز شرایطی قصد مجرمانه می‌تواند جرم تلقی شود

۱- آزادی عقیده و آیین

فرد این حق را دارد که در درون خود هر گونه اعتقاد و باوری نسبت به مذهب و اخلاق و سیاست و ... داشته باشد و هیچ کس را نباید به دلیل باورهایش مواخذه کرد البته این آزادی اندیشه تا زمانی است که ظهور خارجی نداشته باشد اگر ظهور داشته باشد باید محدودیت‌های جامعه را رعایت شود. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع اشاره کرده است.

اصل ۲۳ قانون اساسی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

هر کس حق دارد که از آزادی فکر و وجدان و مذهب بهره مند باشد این حق متضمن تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می تواند از این حق منفردا یا جمعا به طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد.

ماده ۱۸ و ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۶۶ :

ماده ۱۸: هر کس حق دارد آزادی فکر و وجدان و مذهب داشته باشد این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا عقاید به انتخاب خود همچنین آزادی ابراز مذهب یا عقاد خود، خواه به طور جمعی یا فردی یا به صورت علنی یا در خفا می باشد. آزادی ابراز مذهب را نمی توان تابع محدودیت کرد مگر قانون مشخص کرده باشد. دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که از آزادی والدین در تامین آموزش مذهبی کودکان را متعهد بشمارند.

ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ :

«۱- هر کس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد. حفظ کند) -

۲- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع -عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن بطور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا به هر وسیله دیگری که خود انتخاب میکند، میباشد.»

## ۲- آزادی بیان

آزادی بیان بر خلاف آزادی اندیشه صرفا در ذهن نیست بلکه این حق را برای افراد قائل می شویم که از اندیشه خودش سخن بگوید حرف بزند بوسیله مطبوعات و کتب و آثار و کنفرانس و .... از اعتقادات خودش سخن بگوید

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هر انسانی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده بدون نگرانی از مداخله و حق جست و جو است.» بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی هم به آزادی بیان اشاره کرده است

### ۳- آزادی آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یکی از موضوعات مهم و حساس در همه کشورهاست چرا که حاکمیت می تواند از این موضوع سواستفاده کند و به نوعی افکار و ایدئولوژی افراد جامعه را جهت دهد

آزادی آموزش پرورش مستلزم چند نکته است:

- هر فردی که از نظر علمی صلاحیت دارد می تواند موسسه آموزشی تاسیس کند
- کودکان و دانش آموزان باید بتوانند هر مدرسه ای که مایل باشند را انتخاب کنند
- دولت باید وسایل آموزش رایگان را فراهم کند تا اگر امکان شهریه نبود دانش آموزان بتوانند تحصیل کنند .
- آزادی تنظیم محتوای دروس و جهت دهی نشدن محتوای دروس در واقع نباید دروسی که در آموزش پرورش و مدرسه است تحت تسلط یک گروه خاص باشد.

ماده بیست ششم اعلامیه جهانی حقوق بشر:

۱. هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد، همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند.

۲. آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کامل رشد آن برساند و احترام به حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید با حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مختلف و دوستی بین تمام ملل، جمعیت های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت های ملل متحد را در راه حفظ صلح و تسهیل نماید.

۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.»



ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش پرورش دست کم می بایست در دوره ابتدایی و پایه راگان در اختیار همگان باشد آموزش ابتدایی می بایست اجباری باشد و آموزش فنی حرفه ای نیز می بایست قابل دسترس برای همه باشد»

#### ۴- آزادی اخبار و اطلاعات

طبق این اصل همه شهروندان حق دارند که درست ترین و صادقانه ترین اخبار و اطلاعات دسترسی داشته باشند همه شهروندان می توانند موسسه مطبوعاتی داشته باشند در مطبوعات فعالیت کنند. سانسور مطالب در نشریات و مطبوعات ممنوع است دولت ها حق ندارند به بهانه مصلحت اجتماعی خبرها را سانسور کنند. این آزادی در همه اخبار و اطلاعات است چه نشریات باشد چه از طریق رادیو و تلویزیون

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس باید بتواند به طور آزاد از اطلاعات برخوردار باشد»

#### ۵- آزادی نمایش

طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر تا زمانی که آسیبی به شخصی وارد نشود هر فیلم و تئاتر اجازه انتشار دارد و نباید سینما و نمایش را محدود کرد اصل ۱۷۵ قانون اساسی ایران نیز به این موضوع اشاره کرده است.

اصل ۱۷۵ قانون اساسی ایران :

«در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خطمشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند.»

#### ۶- آزادی انتخاب و تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی

شهروندان حق دارند که حاکمان کشور را خود انتخاب کنند در انتخابات آزاد و منصفانه مردم می توانند حق رای داشته باشد و در سرنوشت شرکت خود دخالت داشته باشند.

ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر :

«هر شخصی حق دارد که در مدیریت کشور خود، مستقیماً یا بواسطه انتخاب آزادانه شرکت جوید ۲. هر شخصی حق دسترسی برابر به خدمات عمومی در کشور خویش را دارد. ۳- اراده مردم می بایست اساس حاکمیت دولت باشد و رای گیری از افراد می بایست به صورت مخفی یا به طریقه مشابه برگزار شود که آزادی رای را تامین کند»

#### ج- آزادی گردهمایی:

طبق این اصل که در اعلامیه های حقوق بشر به آن اشاره شده است شهروندان این حق را دارند که در گروه های گوناگون شرکت کنند و اجتماعی تشکیل دهند . مگر این که گردهمایی خلاف نظم عمومی باشد

ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن های مسالمت آمیز است ۲- هیچکس نباید مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود «

اصل ۲۷ قانون اساسی نیز به این موضوع اشاره می کند.

«تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح ، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

#### د- آزادی اقتصادی و اجتماعی

انسان به دلیل اجتماعی بودن و زندگی اجتماعی می بایست از بسیاری از امتیازات و امکانات مادی و اجتماعی برخوردار باشد در این بخش از حقوق بشر به این موارد اشاره می کنیم:

### ۱- آزادی مالکیت شخصی

انسان برای حفظ موقعیت و امنیت خود در برابر تعارض و تهاجم دیگران می بایست حق مالکیت شخصی داشته باشد. طبق ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر انسانی به تنهایی یا با شراکت با دیگران حق مالکیت دارد. ۲- هیچ کس را نمی بایست خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد»

### ۲- آزادی کار و حق اشتغال

انسان حق دارد که هر حرفه و شغلی که خواست وارد شود هیچ اجباری نباید به شخصی وارد شود که وارد فلان شغل شود طبق بند ۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است»

### ۳- آزادی سندیکا و صنف

افرادی که در یک شغل یا حرفه فعالیت می کنند این حق را دارند که تحت یک انجمن و جمع فعالیت کنند و مطالبات جمعی داشته باشد در واقع می توانند از منافع صنفی و شغلی خود حمایت کنند.

### ۳- حق رفاه اجتماعی

مردم باید از امور رفاهی که لازمه رشد جسمانی و فکری فرد است برخوردار باشد حقوقی مثل حق خوراک و پوشاک و بهداشت و مسکن و تشکیل خانواده و استراحت و .....

بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر:

«هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش از جمله تامین خوراک و پوشاک و مسکن و مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است»

### ه- حقوق همبستگی

بخشی دیگر از حقوق بشر که مربوط به حفاظت از کره زمین است وجود دارد در واقع بشر نیازهای جمعی دارد و صلح و ثبات جهانی می بایست وجود داشته باشد و این حق به حقوق همبستگی معروف است. مصادیق حقوق

همبستگی شامل حق محیط زیست سالم، حق تعیین سرنوشت جمعی، حق برخورداری از کمک های بشر دوستانه و حق ارتباطات است.

## حقوق مردم در جمهوری اسلامی ایران

### مقدمه

حکمرانی و زمامداری همواره در طول تاریخ شیوه های متعددی داشته است همان طور که اشاره شد جامعه سیاسی جامعه ای است که تحت فرمان قدرت سیاسی است قدرت سیاسی در کشورها همواره شیوه های متعددی را در پیش گرفته است برخی کشورها قدرت سیاسی دست یک نفر بوده در برخی در دست گروه های متعدد یا نمایندگان. بنابراین قدرت سیاسی همواره دستخوش تغییر بوده . تقسیم بندی قدرت سیاسی بر حسب نحوه توزیع قدرت به این نحو است :

۱- قدرت فرمانروایی بر یک نفر بوده (مونوکراسی)

۲- قدرت فرمانروایی در اختیار گروه متعدد بوده (آریستوکراسی)

۳- قدرت فرمانروایی در اختیار همه مردم بوده (دموکراسی)

در صورتی که قدرت توسط یک نفر باشد رژیم سلطنتی یا موناشری حاکم است در این نظام پادشاه قدرت مطلق دارد (موناشری) در صورتی که گروهی بر دیگران حکومت کنند نوع حاکمیت آریستوکراسی نام دارد ارسطو معتقد بود که این سیستم اگر افرادی که حاکم هستند صالح باشند شیوه حکومت کارآمدی است در واقع حکومت نخبه ها و بهترین ها است . به شرطی که دنبال نفع همگان باشند. با این حال آریستوکراسی در صورتی است که نفع همگان در نظر باشد اگر نفع گروه خاصی بر سود عامه و همگان ترجیح داشته باشند این شیوه روش فاسدی به خود می گیرد. و اگر رژیمی توسط همه مردم اداره شود این حکومت طبق نظر ارسطو جمهوری یا دموکراسی گفته می شود

## ۱- قدرت فرمانروایی با یک نفر باشد (مونوکراسی)

در این شیوه از حاکمیت یک نفر وجود دارد که صاحب همه قدرت است با توجه به این که نهادی نیست که قدرت او را تحت نظر قرار دهد معمولا استبداد و خودکامگی در این شیوه وجود دارد.

در طول تاریخ در شیوه مونوکراسی افراد برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خود روش های مختلفی داشته اند :

قدرت خود را برگرفته از خداوند می دانستند و در واقع با باورهای معنوی و مذهبی گره می زنند و به نوعی می گویند خداوند است که این قدرت را تایید می کند و مردم هم تایید می کنند. یا این که قدرت خود را برگرفته از یک نبوغ خاص می دانند و به مردم القا می شود که شخص حاکم نبوغی فراتر از شما دارد . در سیستم های موروثی این گونه القا می شود که این نژاد، یک نژاد برتر و یک استعداد خاص است به هر حال شیوه های متعددی در مسیر توجیه این دارند که چرا قدرت باید دست یک نفر باشد

در این رژیم کلیه اختیارات نظیر قانون گذاری و اجرایی و قضایی بر عهده پادشاه بوده است معمولا پادشاهی به صورت موروثی است خارج شدن قدرت از خانواده پادشاهی خلاف اصل است. به مرور مونوکراسی شیوه جدیدی به خود گرفت و حاکمان ادعای حکومت دائمی و مادام العمر می کردند به این شیوه مونوکراسی توده ای گفته می شود .

در مونوکراسی توده ای حاکمان ادعای حکومت دائمی می کردند مثلا هیتلر ادعای هزاره نازیسم را مطرح می کرد در مونوکراسی توده ای یا مونوکراسی جدید مثلا مونوکراسی قدیم قدرت دست یک نفر بود و ولی نهادهایی دیگری هم وجود دارد که بیشتر به صورت صوری است در واقع این نهادها همگی صوری هستند و قدرت در دست یک نفر است. استالین در شوروی ، هیتلر در آلمان، موسیلمینی در ایتالیا از نمونه های این نوع حکمرانی هستند. در این شیوه چه بسا شرکت مردم ، رای مردم ، همه پرسی و ... می گذاشتند که فقط مردم را فریب دهند که شما هستید حزب هم در این کشورها حزب واحد است بنابراین احزاب مختلفی وجود ندارد حزب هم کاملا برگرفته از حاکمیت کشور است بنابراین احزاب و طرز فکرهای متعددی وجود ندارد

## ۲- آریستوکراسی (چندن سالاری)

در این شیوه اقلیت بر بقیه حکومت می کنند. ارسطو به این شیوه آریستوکراسی می گوید و این شیوه را در صورتی که توسط افراد صالح حکمرانی انجام شود کارآمد می داند و شکل فاسد حکمرانی آریستوکراسی، الیگارشی نامیده می شود.

## ۳- همه سالاری یا دموکراسی

همه سالاری یا دموکراسی شیوه ای است که به معنی حکومت مردم است. در یونانی به مردم DEMO و به حکومت و سلطنت CRATOS گفته می شود. یونانیان باستان قدرت را در کلیت متعلق به همه شهروندان می دانستند و معتقد بودند بهترین نوع حکومت زمانی است که مردم بتوانند در تصمیم های کشور دخالت داشته باشند و هر کدام از مردم بتواند در برهه ای به مقام حکومتی برسد و سه اصل آزادی و برابری و تصمیم گیری بر مبنای اکثریت رعایت شود در فرهنگ سیاسی یونانیان مونوکراسی و آریستوکراسی قابل قبول نبود و معتقد بودند که فساد زاست با این حال بسیاری از کشورها حتی خود یونان در دموکراسی و همه سالاری محدودیت هایی ایجاد می کردند.

ویژگی نظام همه سالاری:

نظام همه سالاری یا دموکراسی از سه ویژگی مهم برخوردار است که به آن اشاره می کنیم:

### ۱- انتخابی بودن حکومت:

در نظام مردم سالار یا همه سالار قدرت با زور و سلطه به دست نمی آید و کرسی های و صندلی ها زمامداری از قبل برای اشخاص خاصی طراحی نشده است بلکه طی فرآیند انتخاب آزاد به دست می آید در حکومت انتخابی مردم هستند که حکومت را می سازند و مردم هستند که در مورد چگونگی حکومت تصمیم می گیرند

سه نوع دخالت مردم در نظام های مردم سالار وجود دارد:

**دموکراسی مستقیم :**

همه شهروندان به طور مستقیم حاکمیت را اعمال کنند یا دست کم در اجرای وظایف اصلی مباشرت داشته باشند همه مردم در یک منطقه جمع شوند و با رای مستقیم خود تصمیم گیری کنند و این نوع دموکراسی در جوامع کوچک امکان پذیر است و در حال حاضر امکان پذیر نیست

### دموکراسی نماینده سالار:

شیوه ای از دموکراسی است که مردم یک نماینده انتخاب می کنند و به جای این که خود در تصمیم گیری نقش داشته باشند از نماینده خود کمک می گیرند

### دموکراسی نیمه مستقیم:

شیوه ای از دموکراسی است که از نمایندگان برای تصمیم گیری ها استفاده می شود ولی در برخی موارد هم مردم می توانند مستقیم وارد عمل شوند اصل بر این است که نمایندگان تصمیم می گیرند ولی در برخی موارد مردم هم می توانند مستقیم وارد عمل شوند

مثلا در برخی کشورها به مردم حق وتو داده اند به این معنی که اگر مجلس قانونی تصویب کرد که مورد موافقت مردم نبود مردم می توانند از وضع و تصویب قانون شکایت کنند و از این طریق نسخ قانون را بخواهند یا مثلا در برخی کشورها رجوع به آرا عمومی یا رفراندوم یا همه پرسی در برخی موارد در نظر گرفته شده است.

## ۲- تحدید قدرت سیاسی

در حکومت های مردم سالار برای این که حاکمان و زمامداران از قدرت خود سواستفاده نکنند ترمزها و ابزاری برای کنترل قدرت وجود دارد شیوه هایی که برای کنترل قدرت استفاده می شود شامل :

- درج وظایف و اختیارات زمامداران و حاکمان و مسئولین

- امکان جابه جایی قدرت به شیوه صلح آمیز و با رای مردم

- محدودیت دوره زمامداری و مسئولیت افراد به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت

به طور مثال در کشور ایران اعضای مجلس خبرگان برای دوره ۸ ساله رییس جمهور برای دوره ۴ ساله رئیس قوه قضاییه برای دوره ۵ ساله نمایندگان مجلس برای دوره ۴ ساله مسئولیت دارند

- توزیع خردمندانانه قدرت سیاسی

توزیع خردمندانانه قدرت سیاسی از موضوعات مهمی است که در کشورهای دموکراسی وجود دارد قدرت باید به نحوی تنظیم شود که به قول مونتسکیو قدرت قدرت را متوقف کند در واقع مونتسکیو معتقد بود تنها چیزی که قدرت را متوقف می کند خود قدرت است بنابراین باید قدرت به نوعی تنظیم شود که قدرت بتواند قدرت را محدود کند و ارکان قدرت بتوانند نسبت بر همدیگر نظارت داشته باشند مونتسکیو به اصل تفکیک قوا به عنوان شیوه ای از توزیع قدرت سیاسی اشاره می کند که در اصل ۵۷ قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است.

- انتقال قدرت به شیوه صلح آمیز

در کشورهای دموکراسی احزاب متعددی وجود دارند و هر حزب می تواند از طریق فعالیت سیاسی صاحب قدرت شود و قدرت را از حزب مقابل بگیرد.

- وادار نمودن مسئولین به پاسخ گویی : مثل استیضاح رئیس جمهور یا وزا...

۳- حاکمیت قانون

در نظام های مردم سالار نظام قانونمندی حساب می شود بنابراین در برابر دولت مستبد قرار می گیرد در واقع اراده حاکمان که برگرفته از انتخاب مردم است به صورت قانون متجلی می شود. قانون محدوده قدرت مسئولین را مشخص می کند قانون محدوده آزادی افراد را مشخص می کند قانون نحوه بازخواست مسئولین را مشخص می کند قانون نحوه بازخواست مردم را مشخص می کند... بنابراین قانون ابزاری است که حاکمان از طریق آن حکمرانی می کنند.



## حقوق اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران:

پس از انقلاب بر سر تعیین نظام سیاسی اختلاف‌هایی ایجاد شد برخی جمهوری دموکراتیک اسلامی برخی حکومت عادلانه اسلامی، برخی حکومت اسلامی و .... را عنوان کردند. رهبر انقلاب خواستار این شد که «جمهوری اسلامی» به فراندوم و همه‌پرسی بگذارند و ۹۸.۲ درصد به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند

جمهوری یک واژه عربی است به معنی اکثر مردم در واقع نوع حکومتی است که جانشین رئیس کشور موروثی نیست و مدت ریاست غالباً محدود است و انتخاب با رای مستقیم یا غیر مستقیم مردم انجام می‌شود و به نوعی با وجود برخی تفاوت‌ها، همان نظام مردم‌سالار است.

(اصل ۶ قانون اساسی) «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات : انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»

مهم‌ترین تفاوت نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌های جمهوری، مردم‌سالار دینی بودن و در واقع اسلامی بودن آن است این شاخصه موجب می‌شود که بعد معنوی و الهی به جمهوری داده شود در واقع اصل حاکمیت الهی که در اصل ۵۶ قانون اساسی به آن اشاره شده است خداوند است که حاکم مطلق است و حاکمان کشور می‌بایست بر اساس دستورات خداوند عمل کنند. اصل ۴ و ۱۲ قانون اساسی نیز به اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است.

اصل ۵۶ قانون اساسی:

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.»

اصل ۴ قانون اساسی:

« کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگموازمین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است.»

اصل ۱۲ قانون اساسی:

«دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.»

### حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :

یکی از هدف های عمده حقوق اساسی و قانون اساسی تضمین حقوق و آزادی های شهروندان و مکلف نمودن حاکمان در حفظ این حقوق است این حقوق ملت ها چیست؟

حقوق مردم وملت به طور کلی در اصول دوم و سوم قانون اساسی و اصل ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است :

۱- حقوق مدنی و سیاسی

۲- حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی

۳- حقوق قضایی

۱- حقوق مدنی و سیاسی

حقوق اولیه است که هر انسانی که در اجتماع زندگی می کند می بایست از این حقوق بهره مند شود.

مهم ترین حق مدنی و سیاسی **حق حیات** است که طبق اصل ۲۲ قانون اساسی نباید مورد تعرض قرار بگیرد مگر در موارد قانونی.

اصل ۲۲ قانون اساسی:

«حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»  
**حق امنیت** از دیگر حقوق مدنی است که افراد باید در جامعه داشته باشند این حق امنیت شامل حق امنیت جسم و حیثیت است اصل ۲۲ قانون اساسی به این مورد اشاره می کند. ضمانت اجرای این اصل ماده ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی است

علاوه بر امنیت جسمی و حیثیتی، **امنیت مسکن و شغل و اموال** از دیگر مواردی است که طبق قانون اساسی می بایست امنیت داشته باشد

مسکن یکی از مواردی است که طبق اصل ۲۲ قانون اساسی می بایست امنیت داشته باشد بنابراین ورود بدون اذن به منزل دیگری طبق قانون اساسی ممنوع است مگر ضمانت اجرای این اصل ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی است .

«هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر این که ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

**امنیت شغلی** که در اصل ۴۶ قانون اساسی به آن اشاره شد از دیگر امنیت هایی است که افراد در ایران از آن برخوردارند

اصل ۴۶ قانون اساسی:

« هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند »

**امنیت حریم خصوصی** در اصل ۲۵ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفت و در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ضمانت اجرای این اصل است.

اصل ۲۵ قانون اساسی:

« بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. »

در قسمت **آزادی فکری** هم قانون اساسی حقوق و آزادی هایی را بر شمرده و در واقع مهم ترین ویژگی افراد **آزادی فکر و اندیشه** او است

اصل ۲۳ قانون اساسی:

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مواخذه کرد .

اصل ۱۲ قانون اساسی :

دین رسمی ایران ، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی ، شافعی ، مالکی ، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی ، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج ، طلاق ، ارث و وصیت ) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

**طبق اصل ۱۳ قانون اساسی سه دین زرتشتی و مسیحی و کلیمی به عنوان اقلیت های شناخته شده قانون اساسی معرفی شده اند:**

اصل ۱۳ قانون اساسی:

ایرانیان زرتشتی ، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل میکنند..

**آزادی بیان و آزادی مطبوعات** از دیگر موارد آزادی افکار است در واقع افراد در قانون اساسی این حق را دارند که افکار خود را تا جایی که مغایر با قانون نباشد بیان کنند یا نشر دهند. اصل ۲۴ قانون اساسی و اصل ۱۷۵ قانون اساسی به این موضوع اشاره کرده است.

اصل ۲۴ قانون اساسی : « نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.»

### آزادی سیاسی

نوعی آزادی است که در گروه معنا پیدا می کند و به معنای این است که افراد بتوانند در سرنوشت کشورشان نقش داشته باشند

اصل ششم قانون اساسی:

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات : انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، اعضای شوراها و نظایر این ها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

## ۲- حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی

قسم دوم از حقوقی که به فضای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی اشاره می کند اولین حق از این دسته **حق آزادی انتخاب شغل و حق به کار است** :

اصل ۲۸ قانون اساسی

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

اصل ۲۶ **قانون اساسی به شکل ها و اصناف** اشاره می کند.

« احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

**اصل ۲۹ قانون اساسی بر رفاه اجتماعی** اشاره می کند طبق این اصل «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

**آموزش و پرورش** از دیگر اقسام حقوق اجتماعی افراد است و طبق اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است تا دوران متوسطه وسایل آموزش و پرورش رایگان را در اختیار مردم قرار دهد

اصل ۳۰ قانون اساسی

« دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

## برابری افراد

از دیگر حقوق افراد که در اجتماع مهم است برابری افراد در برابر همدیگر است که در اصل ۲۰ قانون اساسی به آن اشاره شده است طبق این اصل همه افراد ملت در برابر قانون مساوی هستند .

« همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

**حق داشتن خانواده** از دیگر حقوقی است که افراد دارند و اصل دهم و اصل ۲۱ قانون اساسی به این حقوق اشاره کرده است طبق اصل ۱۰ قانون اساسی از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد همچنین طبق اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

1 - ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.

2 - حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

3 - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

4 - ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

5 - اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

## حق تابعیت

و در نهایت اصل ۴۱ و ۴۲ حق تابعیت اشاره می کند طبق این اصل تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است دولت نمی تواند از ایرانی سلب تابعیت کند

اصل چهل و یکم: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم: اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

### ۳- حق قضایی

این حق در راستای تحقق دادرسی منصفانه و صیانت از حقوق طرفین است و شامل موارد زیر می شود :

#### ۳-۱- اصل قانونی بودن جرم و مجازات

طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، جرم و مجازات حتما می بایست بر اساس قانون تعیین شود. رفتاری جرم است که قانون مشخص می کند و مجازات آن جرم را نیز قانون مشخص می کند. در واقع با توجه به قاعده فقهی قبح عقاب بلابیان تا زمانی که رفتاری در قانون جرم نباشد امکان بازخواست کردن و مجازات کردن افراد وجود ندارد.

اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

اصل ۱۶۹ قانون اساسی:

« هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود. »

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی :

« هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود.»

پس طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات رفتاری جرم است که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده و اگر رفتاری طبق منابع دیگری جرم باشد ولی قانون رفتار را جرم تلقی نکند نمی توانیم این رفتار را جرم و قابل مجازات بدانیم. همچنین شیوه رسیدگی نیز باید دقیقا طبق قانون باشد و نمی شود به هر طریقی رسیدگی کرد. با این حال اصل ۱۶۷ قانون اساسی، اصل ۳۶ و در واقع اصل قانونی بودن جرم و مجازات را نقض کرده است. طبق این اصل:



« قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

طبق اصل قانون بودن جرم و مجازات در صورتی که رفتاری در قانون جرم نباشد امکان مجازات وجود ندارد ولی اصل ۱۶۷ قانون اساسی این اختیار را به قاضی داده است که در صورتی که حکم قضیه را در قوانین نیافت به سایر منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع کند

همچنین در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز مجدداً اصل قانونی بودن جرم و مجازات نقض شده است طبق این ماده «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» در واقع قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۲ جرم حدی مشخص کرده است بنابراین طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات هیچ جرم حدی به جز این ۱۲ مورد نباید مجازات داشته باشد با این حال طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی قاضی این اختیار را دارد که در برخی جرایم حدی مثل ارتداد که به رغم برخی جرم حدی می باشد و در قانون جرم انگاری نشده است به منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع کند

نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات :

از اصل قانونی بودن جرم و مجازات سه نتیجه گرفته می شود:

۱- عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری:

به موجب اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ به آن اشاره شده تنها اعمالی را می توان جرم دانست که طبق قانون برای آنها مجازات تعیین شده است . در ماده ۲ این قانون آمده است که : "هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است ، جرم محسوب می شود " . بنابراین در صورتی که قانون جدید تصویب شود که عملی را که در قانون گذشته جرم نبوده است ، جرم

بداند، مجازات تنها نسبت به کسانی اعمال می شود که بعد از لازم الاجرا شدن قانون جدید مرتکب عمل مجرمانه شوند، به این وضعیت عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی یا عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری می گویند.

ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تامینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمیتوان به موجب قانون موخر به مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، موثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می شود:»

## ۲- تفسیر مضیق قوانین کیفری

مضیق به معنی محدود است و در مقابل موسع قرار می گیرد کلماتی که در قانون مجازات است گاهی کاملاً مشخص است و نیاز به تفسیر ندارد ولی گاهی اوقات کلماتی که به کار می رود تعریف مشخصی ندارد و قانون هم تعریف نکرده است، در واقع قاضی است که باید تفسیر کند. شیوه درست قانون گذاری این است که حتی امکان کلمات نیاز به تفسیر نداشته باشد و کلماتی که در قانون به کار برده می شود کاملاً شفاف و مشخص باشد و از به کار بردن کلمات مبهم و کلی پرهیز شود با این حال در مواردی که قاضی ناچار به تفسیر است می بایست از تفسیر مضیق در قوانین کیفری بهره ببرد به این معنی است که اگر قاضی با کلمه ای در قانون مجازات برخورد کرد باید جوری تفسیر کند که دایره رفتار مجرمانه محدود شود. و قاضی دادگاه می بایست به قدر متیقن معنی الفاظ قانون بسنده کند و نباید مفهوم آن را توسعه دهد.

## ۳- ممنوعیت قیاس در تعیین مجازات

هر جرمی به علتی جرم انگاری شده است مثلاً مشروب الکلی به این دلیل جرم است که مست کننده است. ممکن است یک رفتاری در قانون جرم نباشد ولی دلیل مشترکی با رفتاری داشته باشد که در قانون جرم است قاضی نمی تواند مقایسه کند و بگوید که پس این رفتار هم جرم است. در واقع سومین نتیجه اصل قانونی بودن جرم و مجازات ممنوعیت قیاس است.

بنابراین اگر قانون گفته مصرف هرویین و مرفین جرم است ولی به ماده اعتیاد آور دیگری اشاره نکرده است قاضی نمی تواند بگوید با توجه به نتیجه مشترک ماده اعتیاد آور با هرویین و مرفین بنابراین مصرف این ماده نیز جرم است. در واقع قیاس به معنی سرایت دادن حکمی مصرح در قانون به موضوعی مسکوت الحکم به دستاویز علتی مشترک.

## ۲-۳ اصول دادرسی منصفانه

### الف- حق دادخواهی

دومین حق قضایی که در قانون اساسی به آن اشاره شده است هر کسی حق دارد که حقی را مطالبه کند و دادگاه باید به این موضوع رسیدگی کند

اصل ۱۶۷ قانون و اصل ۳۴ قانون اساسی به این حق دادخواهی اشاره می کند

اصل ۳۴ قانون اساسی:

« دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. »

### ب- اصل برائت :

سومین حق قضایی که در قانون اساسی به آن اشاره شده است اصل برائت است. طبق اصل ۳۷ قانون اساسی

«هیچ کس مجرم نیست مگر در دادگاه صالح مجرم شناخته شود.»

اصل برائت یکی از اصول عملیه است اصول عملیه به اصولی گفته می شود که در زمان شبهه و تردید اعتبار خواهند داشت. این اصل نتایجی دارد هر جا شک کردیم که کسی مجرم است یا نیست باید به اصل مراجعه کنیم.

پس قاضی یاگر دلایلی بر ارتکاب جرم نداشت یا نسبت به مجرمیت شک داشت طبق اصل برائت می بایست مرتکب را تبرئه کند.

در فقه به این اصل، قاعده درا گفته می شود. در واقع هر زمان که شبهه ای در ارتکاب جرم ایجاد شد اصل بر این است که جرم واقع نشده است. ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی

### ج- حق داشتن وکیل

اصل ۳۵ قانون اساسی

«در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

طبق این اصل هر شخصی می تواند وکیل داشته باشد اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشت برای او شرایطی فراهم شود که وکیل داشته باشد. و در برخی جرایم وجود وکیل الزامی است مثلاً در جرایم با مجازات حبس ابد و اعدام و.... جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل تشکیل نمی شود در این جرایم یا وکیل معرفی می کند یا دادگاه برای او وکیل تسخیری معرفی می کند. ماده ۳۴۸ ق ا د ک

با این حال برخی محدودیت ها برای انتخاب وکیل وجود دارد به طور مثال ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به متهم اجازه داده است که در تحقیقات مقدماتی (پلیس و دادسرا) وکیل به همراه داشته باشد وکیل می تواند در این مرحله یک ساعت با متهم ملاقات کند و در نهایت ملاحظات کتبی خود را بگوید. بنابراین در بازجویی وکیل حضور ندارد و دفاعی نمی تواند ارائه دهد صرفاً ملاحظات کتبی خود را ارائه می دهد همچنین تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری حق انتخاب وکیل را صرفاً محدود به وکلای خاصی کرده است این تبصره مربوط به جرایم امنیتی است و طرفین دعوا می بایست وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضاییه باشند انتخاب کنند.

## د- اصل علنی بودن محاکمه

اصل ۱۶۵ قانون اساسی

«محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

با این حال ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی غیر علنی بودن را درخواست کند، جرایم منافی عفت یا جرایمی که دادگاه علنی بودنش را مخل امنیت و احساسات مذهبی یا قومی تشخیص دهد، می‌تواند مانع علنی بودن شود.

## ه- اصل مستند بودن احکام

احکامی که دادگاه صادر می‌کند می‌بایست مستند به قانون باشد.

اصل ۱۶۶ قانون اساسی

احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده‌است.

## خ- اصل منع شکنجه

اصل سی و هشت قانون اساسی

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

## ن- اصل منع هتک حرمت متهمین

اصل ۳۹ قانون اساسی

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است